

علل و پیامدهای گسست علم اقتصاد از دیگر رشته‌های علوم انسانی در ایران

زهره کریمی^۱

چکیده

هدف از فراگیری علوم انسانی، شناخت موانع و یافتن راه کارهای دستیابی به زندگی متعالی بشری است. بدین ترتیب، آگاهی از عوامل به هم تنیده اقتصادی - اجتماعی و یافتن ساز و کار ایجاد تحول ضرور در ساختارها و نهادهای کشور، از پیش شرط های اصلی فرایند توسعه است. این مهم با ایجاد ارتباط منطقی میان علم اقتصاد و شعبه های دیگر علوم انسانی در انجام پژوهش های بنیادی و کاربردی میسر خواهد بود. در حالی که طی دو دهه گذشته، در عرصه های مختلف آموزش و پژوهش علم اقتصاد حرکتی در این جهت دیده نشده است.

علم اقتصاد در ایران غالبا به عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی توجهی ندارد و بیشتر به ریاضیات متکی است. برخی از دانشجویان علم اقتصاد در کلاس های ریاضی و آمار دانشکده های مهندسی حضور می یابند تا با تسلط

۱. دکترای اقتصاد، استادیار دانشگاه مازندران

از آقای مجتبی قاسمی دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد برای همکاری در تهیه ی آمار و اطلاعات مرتبط با رشته ی کارشناسی ارشد در دانشگاه صنعتی شریف سپاسگزارم.

بر ریاضیات، قدرت بیشتری در فراگیری مفاهیم علم اقتصاد حاصل کنند؛ اما به حضور در کلاس های علوم اجتماعی رغبتی نشان نمی دهند. شمار فزاینده پذیرفته شدگان رشته های فنی ، ریاضی و آمار در دوره های تحصیلات تکمیلی اقتصاد، بیانگر استفاده ی افراطی از ریاضیات در این علم و کاهش اهمیت تحلیل های اقتصادی واقعی در ملاک های سنجش دانشجویان برتر است. و این در حالی است که به کار گیری مدل های انتزاعی و پیچیده ی ریاضی در شناسایی مسائل و مشکلات واقعی اقتصاد ایران و ارائه ی راهکارهای مناسب تا کنون کارآ نبوده است.

در این مقاله با مطالعه علل و پیامدهای گسست علم اقتصاد از دیگر رشته های علوم اجتماعی و بررسی راه های ایجاد و گسترش آموزش و پژوهش بین رشته ای مرتبط با علم اقتصاد ، مشخص خواهد شد که چرا رویکرد بین رشته ای می تواند به شناخت و فهم عمیق تری از مسایل اقتصادی منجر شود و علم اقتصاد نیز می تواند نقش موثرتری در فرایند برنامه ریزی توسعه ی کشور بر عهده گیرد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، علم اقتصاد، مطالعات بین رشته ای